



اهمیت تاریخی موسیقی ایران

سرزمین ایران، از دیرباز، مهد هنرمندان و موطن دانشمندان بنام جهان بوده است؛ علمای این اقلیم همواره، در نهضت‌های فرهنگی، از مشعل‌داران و رهبران تحولات علمی و فکری قرون وسطی بوده‌اند. بطوریکه، نفوذ فرهنگ اسلامی در تحول جوامع علمی اروپا، تا قرن شانزدهم مؤثر بود. با مراجعه با تاریخچه از حکما و متفکران صدر اسلام بزبان لاتین ترجمه شده است، میزان این تأثیر بر ما معلوم میشود، و پوشیده نیست که دانشمندان ایرانی از بنیانگذاران فرهنگ و تمدن اسلامی بشمار می‌آیند. متأسفانه چون تا این اواخر هیچ اقدامی از طرف ایرانیان برای شناساندن مقام علمی و ترویج آثار اسلاف خود صورت نگرفته بود، در بیشتر دایرةالمعارف‌هاییکه تاکنون تدوین یافته، بعلت قلت تحقیقات و سطحی بودن تتبعات و اعمال اغراض، نام این اندیشمندان در شمار حکمای ترك و عرب قلمداد شده است. شاید در بیشتر موارد از نظر اینکه اکثر آثار ایشان بعربی نوشته شده است، برای پژوهندگان اروپایی این توهم پیش آمده که آنان را عرب پندارند. اما، خوشبختانه در حال حاضر، تمام افرادی که درباره تمدن اسلامی تفحص میکنند میدانند **آناریکه چون گوهر گرانبھائی بر تارک تمدن شرق میدرخشد، توسط دانشمندان ایرانی برشته تحریر درآمده است.**

* آقای حسین داوری آشتیانی

در فن موسیقی نیز ، مانند سایر شعب علوم و فنون ، اروپا از تاثیر مشرق زمین ، بخصوص خاورمیانه ، محفوظ نمانده است. در اثر عدم اطلاع نه تنها این تصور در اذهان عموم نقش بسته که «موسیقی نظری ابتدا در یونان ایجاد و در اروپا تکمیل و دنبال شد.» بلکه برای بسیاری از متخصصان تاریخ موسیقی نیز امری تردیدناپذیر مینماید . اگر چه فلاسفه یونان بویژه **ارسطو** درباره موسیقی مقالاتی نوشتند و آنرا شعبه ای از علوم ریاضی بشمار آوردند، لیکن تحقیقات حکمای اسلامی از جمله **فارابی** ، کامل تر از تفحصات فلاسفه یونان بوده است . مهمترین آثار علمای یونان تا زمان فارابی (۳۳۹ - ۶۰ هـ ق = ۹۵۰ - ۸۷۲ میلادی) بزبان عربی ترجمه شده بود و این فرصت برای وی وجود داشت که با تسلط بزبان عربی و آشنائی با زبان یونان باستان ، بتواند بر نظرات حکمای متقدم و قوف یابد ، در حالیکه مردم اروپا نه تنها از وجود آثار مزبور اطلاعی نداشتند ، بلکه متفکران و عالمان یونان راهم نمی شناختند . فارابی در شناساندن مقام و آثار ارسطو ، بین مسلمانان سهم بیشتر دارد . وی چنان در تفسیر و تشریح آثار «معلم اول» تبحر نشان داد که وی را به معلم ثانی ملقب ساختند.

قدیم ترین ترجمه ای که از معروفترین اثر فارابی بلاتین و به عبری شده از «**احصاء العلوم**» است. که در آن مباحثی به موسیقی اختصاص یافته است. نوشته های وی بر تمام مقالات و کتابهایی که در قرون وسطی درباره موسیقی نوشته شده فضیلت دارد. کتاب معروف دیگر او «**الموسیقی الکبیر**» توسط **رودلف ارلانگ** به فرانسه ترجمه شده است. **ابونصر فارابی اولین دانشمندیست که به ویژگی های فواصل و هارمونی پی برده و اولین موسیقی شناسی است که راجع به سازشناسی (۱) رساله ای نوشته است . فارمر** متن عربی فصل موسیقی احصاء العلوم را با ترجمه لاتین و انگلیسی آن تحت عنوان «ترجمه لاتینی آثار عربی فارابی در موسیقی» چاپ کرده است. به نظر فارمر تقسیم اصوات «گام» به هشت صدا و نامیدن هر کدام بایکی از حروف الفبا ، مسلماً مربوط به نفوذ فرهنگ اسلامی است. زیرا قبل از این تاریخ این نوع قراردادها در اروپا سابقه نداشته است و نیز با استناد بکتابهای **ابن غیبی المرافی و کنز التحف** ایرانیان را نخستین قومی بشمار میاورد که شرح آلات موسیقی را به تفصیل و با رعایت اصول فنی بیان کرده اند و علاوه بر اندازه و ابعاد سازها ، درباره کواک کردن و نصب پرده ها (دستان نشانی) اطلاعات جالبی بدست داده اند ، از جمله در **کنز التحف** که در قرن هشتم هجری تألیف گشته ، یاد گردیده که عود سازان ایرانی را عادت بر آن بود که برای رسا کردن صوت ، خاک شیشه در کاسه ی ساز بکار برند و با این همه پانصد سال بعد ، یک عود ساز اروپایی جسارت آن داشته که این کار را «اختراع» خود بنامد . دکتر فارمر در مقاله ای که در جلد ۲ شماره ۳ مجله روزگاران تحت عنوان «تأثیر و نفوذ ایران در تعبیه آلات موسیقی» نوشته است ، به نفوذ موسیقی و اقتباس سازهای ایرانی در میان اعراب چنین اشاره میکند: پس از تصرف ایران در قرن اول هجری و نشر تمدن اسلامی بگوشه و کنار جهان ، تأثیری که ایران در آلات موسیقی داشت در همه جا راه یافت. اعراب که ایران را

بزورشمشیر مسخر کردند؛ چنانکه اغلب متخصصان صنایع مستظرفه ایران اقرار دارند، خود تحت سلطه علم و هنر ایرانیان قرار گرفتند. در قسمت آلات موسیقی، این نفوذ حتی پیش از ظهور اسلام یعنی هنگامیکه ایران بر عراق عرب فرمانروایی داشت شروع شد. در اوایل ظهور اسلام بود که «عود» فارسی را از ایران، اخذ کردند. نه تنها کوه اوتار عود بر اصول و قواعد ایرانی مبتنی بود، (چنانکه استعمال کلمات فارسی زیر وبم این را ثابت میکند) بلکه بکار بردن «دساتین» (جمع عربی دستان بمعنی پرده) بردسته آلات موسیقی برای موازنه پرده‌ها، تقلیدی از ایرانیان بوده است. **ابن احوص سفدی** «شاه‌رود» را که بقول فارابی کاملترین ساز سیمی زمان خود بود اختراع کرد. این ساز با ساز دیگری که آن را «طنبور خراسانی» مینامیدند و در اوایل خلافت عباسیان رواج یافت در موسیقی عربی تأثیر بسیار گذاشت. **چندی بعد صفی‌الدین عبدالوہاب من‌ارموی** (متوفی ۶۹۴ هـ) دو ساز دیگر ساخت، یکی بنام «مغنی» که شبیه عود بسیار کاملی بود و دیگری «نزهه»، «قانونی» بشکل مربع مستطیل که فارمر محقق معاصر انگلیسی در دو کتاب خود بنام‌های «تحقیق در سازهای شرقی» و «نسخ خطی راجع بموسیقی عربی موجود در کتابخانه بادلیان» شرح این دوساز را داده است.

زریاب بهترین شاگرد **اسحق بن ابراهیم ماهان**، موسوم به **اسحق موصلی**، موسیقیدان ایرانی الاصل مقیم دربار خلفای عباسی، اولین مدرسه موسیقی شرقی را در شهر **قرطبه** تأسیس کرد و سبب نفوذ موسیقی ایرانی به **آندلس** (اسپانیا) گردید. و این تأثیر چنان بود که هنوز نیز بین موسیقی اسپانیایی و ایرانی شباهتی بارز وجود دارد.

الکساندر نواکوویچ عضو آکادمی موسیقی بلگراد، چندسال پیش، طی نامه‌ای از صاحب‌نظران موسیقی ایرانی درخواست نموده بود که برای تهیه رساله دکتراي خود، مدارکی مربوط بموسیقی ایران در اختیار او بگذارند. بی‌مناسبت نیست ترجمه قسمتهای کوتاهی از نامه وی در اینجا نقل شود: «... راجع بسوابق موسیقی وسازهای یونان قدیم مطالعاتی نموده و بدین نتیجه رسیده‌ام که هیچکدام از سازهای مزبور اصل و نسب یونانی ندارد. از طرف دیگر در تمام نمونه‌های موسیقی یونان قدیم، نشانه‌هایی از تأثیرات موسیقی شرقی یافت میشود، گرچه موسیقی مصر در یونان اثر گذاشته است ولی موسیقی مصر هم از ملل خاورمیانه و مشرق زمین بطور کلی تأثیراتی در خود دارد، اما اگر در گذشته عمیق‌تر شویم، خواهیم دید که کشور چین هنر خود را از راه‌هند بدنیای غرب منتقل نموده و هند، آن را بقوی‌ترین ملل آن دوره یعنی ایرانیان واگذار کرده است. این نقشه کلی از ارتباطات فرهنگی و هنری ملل قدیم است و من میکوشم که در رساله دکترايم ثابت نمایم که سازها و هنر موسیقی درخشانترین عصر طلائی‌اش را در کشور شما داشته است...»

در جلد دوم دائرةالمعارف موسیقی **فاسکل** (۱) (چاپ پاریس ۱۹۶۰) در بخش «۱»

مقاله‌ای دربارهٔ موسیقی ایران مندرج است. در این مقاله برخلاف کتابهای مشابه، دانشمندان موسیقی‌شناس ایرانی، ترك و تازی قلمداد نشده‌اند و موسیقی ایرانی جزئی از موسیقی عرب محسوب نگردیده است. اگرچه سهم موسیقی‌شناسان ایرانی، بر اساس آنچه که اروپائیان موسیقی عرب نامیده‌اند، چنان عظیم و انکارناپذیر است که حتی در خلال تحقیقات مربوط به موسیقی عرب هم، اهمیت اساسی موسیقی ایران مشهود است.

اینک در خاتمه ترجمه، نکات جالبی از مقاله مندرج در دائرةالمعارف مذکور عرضه میگردد ...

«... هنر و صنعت قدیم، پایه فرهنگ هنری دنیای مسلمان را تشکیل داد. با ابن‌سینا و دیگر دانشمندان ایرانی نظریهٔ موسیقی‌ای پدید آمد، که مظهر هنری درکمال بلوغ و تلطیف شگفت‌انگیزی مینمود، و بالطبع محصول سنتی کهنسال بود ... فارابی دانشمند دیگر ایرانی و سپس صفی‌الدین ارموی، نظریه کلی دربارهٔ موسیقی عرضه داشتند. همین نظریه مشترک یونانی و ایرانی است که قانون و اساس موسیقی عرب را تشکیل داد. موسیقی ایرانی در همه دوره‌ها، پاک‌ترین و لطیف‌ترین شکل اخیرالذکر باقی مانده است و فقط از بیست سال باین طرف است که تأثیرات موسیقی اروپائی از راه ممالک غربی آنرا تهدید میکند و در پی آنست که موسیقی دورگه بدون اهمیت و با ابتدال حیرت‌آوری را جانشین موسیقی بزرگ سنتی (کلاسیک) ملی نماید، از همین رو امروزه نمیتوان موسیقی ایران را با توجه به اقدامات مکاتب موسیقی و رادیو و تلویزیون مورد قضا قرار داد ...

در موسیقی اصیل ایرانی، پرورش «مقام»ها بصورت بدیهه‌سزائی انجام میگردد. ولی در طی آن «موتیف‌های ملودیک» خاصی بکار برده میشود و از اصول سازندگی (کمپوزیسیون) دقیقی پیروی مینماید. گذر نغمه (ملودی) بدانگ‌های همسایه، تغییر کاملی در طرح کلی به‌مراه می‌آورد که تأثیرش قوی‌تر از تأثیر تغییر گام (مدولاسیون) در موسیقی اروپایی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

انده چاشت

بجی گفت روزگی هیزی

کز علی و عمر ، بگو چیزی

گفت باوی جی که انده چاشت

در دلم حب و بفض کس نگداشت

حکیم سنائی غزنوی قرن ششم